

به نام خداوند جان آفرین

تأملی بر گفتار جناب سید هاشم سدید زیر عنوان

« واقعاً همه عیب‌ها در مسلمانی ماست؟ »

آن که در خلوت به ببینش یافت راه - او ز دانش‌ها نجوید دستگاه «مولانا»

نور یقین، هرگز در سرای عقل پرتو نیانداخته و جادوی هر خردمند سامری را، عصای موسوی محو و نابود ساخته است. حضرت حافظ، رند و ارسته می‌گوید:

ای که از دفتر عقل آیت عشق آموزی - ترسم این نکته به تحقیق ندانی دانست

از چند دهه بدین سو، یک روش ناگوار در طرز افکار قلم بدستان ما که به دیده شک و تردید در دین اسلام می‌نگرند، ایجاد شده و اینرا میتوان ناشی از پیروی یک عده نویسندگان اسلام ستیز ایرانی دانست که عزیزان ما به تقلید آنها پرداخته‌اند. من نمیخواهم از این سو و آن سو نام ببرم، اما این مرض مهلک را که «تقلید» است، به سود هم وطنان خود و هیچ مسلمان دیگر نمیدانم. حضرت مولانا در مورد تقلید چه زیبا فرموده است:

بس خطر باشد مقلد را عظیم - از ره و رهزن ز شیطان رجیم

آن مقلد صد دلیل و صد بیان - بر زبان آورد هیچ جان

آن مقلد است چون طفل علیل - گرچه دارد بحث باریک و دلیل

خلق را تقلید شان برباد داد - ای دوصد لعنت بر این تقلید باد

گرچه، پرسش‌ها و تردیدهای جناب سدید، پشتیبانه علمی و فلسفی ندارند، و اینگونه پرسش‌ها را آنهایی که مطالعه در دین و تاریخ اسلام ندارند، و یا اطفال ما که تازه وارد درس دینی می‌شوند، در جهان غرب از والدین و معلمین خود میکنند و با وصف اینکه به پرسش‌های جناب سدید در طول تاریخ از جانب علما و دانشمندان اسلام، پاسخ مناسب ارائه شده، ناگزیر به چندی از نکات نام برده در نیشته‌شان اشاره کنم.

جناب سدید، به محتوای کلام علامه داکتر محمد اقبال لاهوری تردید داشته، کلام فیلسوف نامی و متفکر اسلام را به استهزا گرفته‌اند.

آبادی میخانه ز ویرانی ماست - جمیعت کفر از پریشانی ماست

اسلام به ذات خود ندارد عیبی - هر عیب که هست در مسلمانی ماست

جناب سدید:

از نیشته شما چنین استنباط میشود که شاعر این ابیات، یکی از «بخوان و بدان» های کوچه‌های نام‌گم کابل بوده، آنهم دارای ترس و امید‌ها، و زیر فشار تعصب و خشونت‌ها!

این کلام علامه داکتر محمد اقبال لاهوری است، شاعر، فیلسوف و عارف ارسته دوران خویش، شخصیتی که همواره کوشید، تا مسلمانان را از بند استثمار و استثمار برهاند و توجه خاصی به کشورهای استعمار شده اسلامی داشت که شخصیت وی را فرامرزی ساخت. وی از جمله فیلسوفان مشهور اسلام است، این شاعر ملی و متفکر صاحب اندیشه، نه با ترس و امید و نه با تعصب دینی و خشونت‌ها مواجه بود، بلکه در صدر تفکر، روشنگری و جهت‌دهی برای مردم خود و جهان اسلام قرار داشت. اگر زحمت نمیشود، یک بار به زندگینامه این علامه و کارکردها و آثار گرانبهای وی مراجعه کنید.

من، با صراحت میتوانم ادعان بدارم که، گفتار شما در مورد علامه اقبال، به هیچ وجه، به قد و قامت این مرد تاریخ جور نمی‌آید و مناسب آیین درست اندیشیدن اهل قلم و تفکر نیست، بخصوص کسیکه در مقال خویش، به آیین درست اندیشیدن، به واقعیت‌های غیر قابل انکار تاریخی، به عقل و تجربه خود و تحقیق و تطبیق پندارها، گفتارها و کردارها و قوانین حاکم بر پدیده‌ها باور داشته باشد. اینگونه بهتان و تبصره‌ناوارد به یک شخصیت جهانی در عرصه دانش و فلسفه ریشه در کجا دارد؟؟ عدم ایمان و عقیده‌راسخ به دین اسلام؟ و یا بیخبری و فقدان مطالعه در دین و تاریخ و مشاهیر اسلام؟

پرسش‌های شما از قبیل:

دپانو شمیره: له ۱ تر 4

افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

« چرا ایمان مسلمین اینقدر سست است که حتی دست به قتل نواده ها و داماد و پسر عمو و یاران پیامبر می زنند؟! »

آنگونه که تاریخ بشریت نشان داده است، همیشه جنگ میان حق و باطل جریان داشته و دارد و این یک امر طبیعی است. حاکمیت تنهایی یک پدیده بنام حق و یا باطل اصلا ممکن نیست. امروز نیز انسانهای که برای آرامش بشریت و رجحان و جاگزینی حق بر باطل کار و مبارزه میکنند، ناجوانمردانه از بین میروند، گاندی را چرا کشتند؟ مارتین لوتر کینگ را چرا کشتند؟ آنها که دست به قتل آل نبی زدند، در واقعیت ضد دین اسلام و حقیقت بودند، شما از سستی ایمان آنها حرف زده اید، اما من در داشتن ایمان آنها شک دارم.

پرسش شما:

« جنگ ام المومنین عایشه با علی «رض» بر سر چه بود؟! »

پس از قتل حضرت عثمان «رض» به بهانه خونخواهی وی، منافقین و مغرضین سه صد مرد را در بصره کشتند و آتش انتقام جویی در بین مردم را شعله ور ساختند. حضرت علی «رض» قعقاع بن عمر را به بصره فرستاد و وی با عایشه «رض» و زبیر و طلحه که خواستار بازجویی خون حضرت عثمان «رض» شده بودند، ملاقات نمود. قعقاع به ایشان فهماند که در جستن خون حضرت عثمان «رض» منافقین دخیل بوده که هدفی جز فتنه و فساد ندارند. ام المومنین با زبیر و طلحه با سخنان فرستاده علی «رض» قعقاع موافقت و صلح کردند. آنها که به بهانه طلب خون حضرت عثمان «رض» گرد آمده بودند، با فتنه و نیرنگ، بین طرفداران علی «رض» و زبیر و طلحه و ام المومنین «رض» آتش جنگ را برافروختند. ام المومنین «رض»، در مورد این جنگ، در خطبه که خلقی بسیار حاضر بودند، گفتند: «ای مردمان، این کار بود و بگذشت و این قضای خدای بود برفت و کس از کس به دل کینه مدارید، و همه مرا فرزنداند. همه با یکدیگر برادر باشید. و پس از آن حدیث علی «رض» کرد و گفت: علی به نزدیک من گرمی تر و بهتر از آنست که بود. و علی گفت: رضی الله و عنهما، راست گوید. میان ما عداوتی نبوده است و او مادر مومنان است و زن پیامبر است و حق وی بسیار است.» (تاریخ طبری)

آنها که باعث قتل حضرت عثمان «رض» شدند و با ام المومنین «رض» و علی «رض» جنگیدند و طلحه و زبیر حواریان پیامبر را کشتند، از جمله منافقین بودند که ایمان به دین اسلام نداشتند.

پرسش شما:

« جنگ علی «رض» با معاویه بر سر چه بود؟! »

جنگ علی «رض» با معاویه، جنگ حق در برابر باطل بود. معاویه نیز به بهانه طلب خون حضرت عثمان «رض» قصد گرفتن خلافت و امامت را کرد، سعید بن قیس، فرستاده علی به معاویه میگوید: «یا معاویه، مردمان دانند که تو خون عثمان را طلب نمیکنی ولیکن بدین بهانه امارت خویش درست میکنی و هیچ سببی نیافتی که عامه مردم را بر خویشتن گرد آری مگر حدیث خون عثمان، و اگر عثمان زنده بودی بدین وقت، نخست او با تو حرب کردی از بهر ولایت. دست از حدیث خون عثمان باز دار، و این حق را به حق دارسپار و او را اطاعت دار که نه هر که چیزی امید کرد بیافت.» (تاریخ طبری)

حضرت علی «رض» به معاویه پیام می فرستد: «ما را با شما حرب از بهر دین است و از بهر امامت. اندر این باب سخن باید گفتن تا حق از باطل پدید آید.» (تاریخ طبری)

پرسش شما:

« خوارج چه می خواستند؟! »

خوارج، گروهی بودند که از حوزه اداره علی «رض» بیرون آمده، فریب معاویه را خوردند و بقول فاسقان فریفته شدند. حضرت علی «رض» به دست یکتن از این خوارج بنام عبدالرحمن ابن ملجم به شهادت رسید. هم چنان شهادت حضرت عمر «رض» به دست غلام ترسای بنام مغیره بن شعبه اتفاق افتاد. بدین معنی که هر دو قاتلین خلفای راشدین، ایمان به دین اسلام نداشتند، آنگونه که شما برداشت کرده اید.

پرسش شما:

« علت پیدایش این همه مذاهب و فرقه ها در اسلام چه بود؟! »

در مورد مذاهب و فرقه ها و تفاوت نظر، پیامبر اسلام فرموده اند که: در دین من تفاوت نظر، رحمت است و باعث تقویت دین میشود، اما نفاق و اختلاف را نفرین کرده بود. اگر دین و مذهب و فرقه ها، از برای آسایش و هدایت انسان ها باشد، هر قدر بیشتر، به همان اندازه بهتر.

پرسش شما:

« اختلاف حسن و حسین «رض» با معاویه و جنگهای مسلمین بعد از رحلت پیامبر «ص» تا امروز از کجا ناشی میشود؟! »

نواده های پیامبر اسلام «رض» طرفدار خلافت موروثی نبودند و پس از آنکه امیر معاویه برای پسرش یزید بیعت گرفت، بنابر فتوای علما، رسماً از یزید بیعت نکرده، ویرا شایسته و سزاوار خلافت اسلامی ندانستند. در مورد اخلاق یزید و داستان کربلا به تاریخ اسلام مراجعه کنید. فرهنگ حسینی و جنگ کربلا نیز، جهاد حق علیه باطل است. جناب سدید:

شما فرموده اید " « برای شناخت دقیق دین، گذشته از داستانهای عدالتجویانه حضرت عمر «رض» و حضرت علی «رض» و... که غالباً از روی خوشبینی یا رقابت پیروان مذاهب با یکدیگر و یا غرض افزایش امیدواری و ایمان کاذب در بینوایان نسبت به عدالت موهوم اسلام نوشته شده اند، به تاریخ ها، بخصوص به تاریخ طبری با تأمل و دقت باید مراجعه کنیم. "»

خیلی خوب، من با تأمل و دقت به تاریخ طبری مراجعه کرده، و در تمام کارکردهای خلفای راشدین، عدالت واقعی را یافته ام. البته، شاید تأمل من با تأمل شما فرق کند. تأمل من در کارنامه های آنها، ایمان مرا به دین اسلام محکمتر ساخت، ولی نتیجه تأمل شما، آنچه که از نیشته تان بر می آید، جز شک و تردید چیز دیگر نیست.

مثالهای شما از کشورهای اسلامی در رابطه با قوانین مجازات و در اینکه زیر نام اسلام، اعمال قرون اوسطایی صورت میگیرد، این نکته را در بررسی اصل قضایا که عیب درکجاست، قابل یاد دهانی و پرسش میدانم که: آیا در این کشورها، دین اسلام هدف و مرام و مراد است، یا اینکه دین اسلام منحیث یک وسیله برای رسیدن به اهداف سیاسی و قدرت طلبی، استفاده میگردد؟ باید باریکی میان قوانین اسلام تا مسلمان بودن تفکیک شود، سید جمال الدین افغان پس از برگشت از اروپا چنین فرموده بود: در اروپا اسلام بود و مسلمان نبود و در دیار مسلمین مسلمان هست اما اسلام نیست.

جناب سدید:

شما در نیشته تان انسانهای از قبیل، طالب، ربانی، قانونی، مجددی، آصف محسنی، خلیلی، حکمتیار، کرزی، اشکوری، شبستری، سروش و غیره و غیره را ملاک حق و ممثل دین اسلام قرار داده اید، و چهره شفاف اسلام را زیر اعمال ناشایسته آنها به بررسی گرفته اید. حضرت علی «رض» میفرماید: " « آدم ها را ملاک حق قرار ندهید که راه گم میکنند، حق را ملاک آدم ها قرار بدهید. "» شما راه را گم کرده اید، چون برعکس این گفتار عمل نموده اید.

.....
اظهارات تان در مورد پیامبر اسلام «ص» و حضرت مولانا، مانند پرسشهای دیگر تان کاملاً هوایی بوده، اساس ندارد، صرف بهتان است. اگر اصرار میورزید، مثال بیاورید. گمان می رود که برداشت شما از مولانا آنگونه که باید باشد، نیست و از زبان مولانا روایت درست کردن کار خردمندان نیست.

.....
شما، سلطان محمود، احمد شاه بابا و طالبان را مورد مقایسه قرار داده پرسیده اید که، چرا یکی تمجید و دیگری وحشی خوانده میشود؟

جناب سدید:

افتخارات در هر زمان بنابر شرایط سیاسی و اجتماعی فرق میکند. آنچه که صد سال قبل از جمله افتخارات و مباحات محسوب می شد، امروز شاید یکی از عیوب تلقی شود. هر عمل، مطابق مقتضات زمانش بررسی میشود. امروز اگر مجسمه های تاریخی بودا را تخریب میکنند، عمل زشت و خلاف فرهنگ و علم و انسانیت گفته میشود، اما اگر این کار چند صد سال قبل صورت میگرفت، شاید بدین مناسبت جشن ها می گرفتند و از آن تجلیل میکردند. شما به هیچ صورت برداشت از پدیده های امروزی را با قرنهای پیش نمیتوانید مقایسه کنید. در هر برهه تاریخی، بنابر شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، رشد فکری و فرهنگ حاکم بالای جامعه، انسانها قضاوت و عدالت میکنند و این قضاوت از یک زمان تا زمان دیگر متفاوت است.

.....
اسلام، دین عدالت، مظهر عتوافت، مهربانی و محبت، حق طلبی، طرفدار مستضعفین، برخوردار نهایت عالی در برابر زن میباشد، هرگاه ما خود را با قوانین اسلام نمی توانیم عیار بسازیم، معلوم است که عیب در مسلمانی ماست. شما باز هم به اشتباه رفته، اسلام را مبنای تمام خرابی ها خوانده اید، چون آدمها را ملاک حق قرار داده اید، نه حق را ملاک آدم ها.

.....
در مورد این بیت حافظ نیز به اشتباه رفته اید:

پیرما گفت خطا بر قلم صنع نرفت - آفرین بر نظر پاک و خطا پوشش باد

در مورد این بیت حافظ، بعضی ها گاهی خدا را مرتکب خطا می شمارند و گاهی همان گناه را بر گردن بنده اش می آویزند و یا اینکه حافظ ملکوتی را متهم به شکاکیت میکنند و میگویند که این بیت در ایران از دیر زمانی جنجال برانگیز بوده و است.

تفسیر این بیت، در کتاب «مرج البحرین» از ختمی لاهوری که معتبرترین شرح بر حافظ است، چنین آمده:
"« صنع الله، نام دوستی از دوستان مقرب حضرت خواجه حافظ بود و او در کلان سالی صفت نوشتن را هوس نمود. اگرچه صنعت نوشتن را حاصل کرد لیکن بگفته بزرگان خویشت را به دست نیاورد، یعنی در انشاء سست بود. اتفاقاً در مجلسی که صنع الله و حافظ هر دو حضور داشتند، حافظ به حسن دیباچه عزیزی بجانب صنع الله نگاه کرده از زبان برآورد که صنع الله شنیده میشود که صنعت نوشتن آموخته ای و این فضیلت اندوخته ای، باری بنما که به کجا رسانده ای و توجه به کدام خط رانده ای که بس خطرۀ نیکو در دلت افتاد. صنع الله از برای اینکه در جمع دوستان مورد تحسین حافظ قرار بگیرد، کاغذ پاره ای را برآورده پیش حافظ می نهد. اگر چه در املا و انشاء خطا هایی رفته بود، اما چون آن عزیز با میل و انتظار بطرف حافظ چشم گشاد، حافظ او را مورد تحسین قرار داد و این بیت را فرمود.»"

شما، کشورهای اسلامی و مسلمین را به جرم و جنایت محکوم کرده اید، بیایید یک گراف از جرم و جنایت را در اروپا، امریکا و سایر نقاط دنیا با کشورهای اسلامی مقایسه کنیم، آنوقت خواهید دید که کشورهای اسلامی در ردیف آخر قرار خواهند گرفت. ظلم و استبدادی که امریکایی ها، صهیونیسم و انگلیسها در جهان مرتکب میشوند، آیا مقصر دین حضرت عیسی را بدانیم یا موسی را؟ قتل عام مردم عراق و برباد دادن فرهنگ قدیم اسلامی، چور و چپاول موزیم های تاریخی، بهره برداری های ناپاک اقتصادی و به زور، مسؤلش حضرت عیسی است یا موسی؟ اسرائیل امروز در برابر فلسطین چه میکند، مسؤل این بی عدالتی ها و ظلم کیست؟ اما زمانی که مسلمانان با عدم رعایت قانون اسلامی، بجان خود ظلم میکنند نه دیگران، در آنصورت دین اسلام را مقصر میدانید، چرا؟

در نهایت به این نتیجه میرسیم که، علامه اقبال لاهوری، فیلسوف متفکر برحق است که گفته:
"هر عیب که هست در مسلمانی ماست"، چون ما خود را مطابق اخلاق و قوانین اسلام عیار نمیکنیم.

بیایید کاری کنیم که بقول سعدی:

کاری کنیم ورنه خجالت برآورد - روزی که رخت ما به جهان دگر کشیم

از حق تعالی امید دارم حالتی پدید آورد که آن عنایت اوست و بالای صد هزار جهد و کوشش است، چون عنایت او در رسد، کار هزار کوشش کند و شما را از تردد و شک رهایی دهد. عمر خیام چه زیبا فرموده است:

از منزل کفر تا به دین یک نفس است - از عالم شک تا به یقین یک نفس است

این یک نفس عزیز را خوش میدار - چون حاصل عمر ما همین یک نفس است